

در میزگرد تخصصی نقد و بررسی جشنواره هنرهای شهری مشهد با حضور کارشناسان و هنرمندان هنر شهری بیان شد

ارتقای هنر شهری در گرو ایجاد سازمان زیباسازی

الهام ظریفیان

میزگرد اختصاصی

جشنواره هنرهای شهری مشهد که در سال ۱۳۸۸ با عنوان استقبال از بهار از سوی شهرداری کلید خورد، شانزدهمین دوره اش را پشت سر گذاشت. درحالی بیش از یک ماه از تازه ترین اکران این جشنواره می گذرد که بسیاری از مشه‌دی ها و زائران نوروزی هنوز با هیجان و شادی از خاطرات و عکس های متعدد خود در دوره های مختلف این جشنواره یاد می کنند. باین حال، روند این جشنواره گاه با نقدهای کارشناسان و هنرمندان حوزه هنرهای شهری نیز روبه رو بوده است. ما در میزگرد پیش رو به سراغ سه متخصص این حوزه که از کارشناسان و هنرمندان شناخته شده مشهدی در حیطه هنرهای شهری محسوب می شوند، رفتم و سعی کردیم در آسیب شناسی این جشنواره از تحلیل های این افراد کمک بگیریم. محمدهادی عرفان، دانشجوی دکتری معماری، کارنامه اجرایی پروپیمانی دارد که عناوین متنوعی مانند مسئول دبیرخانه ستاد بازآفرینی مشهد، قائم مقام مرکز پژوهش های شورای اسلامی مشهد، دبیر شورای حجم و المان های شهرداری مشهد دوره اول، مدیر و مؤسس مرکز مطالعات حکمت، دانش و فن شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی را شامل می شود. او همچنین مدیر امور هنری شهرداری مشهد در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ بوده است. مصطفی معمی وند، طراح گرافیک، بیست سال در این زمینه سابقه دارد و تجربه همکاری با سازمان های مختلف مانند شهرداری و آستان قدس رضوی را در کارنامه دارد. او از مؤسسان برند «پنجره فولاد»، است که در زمینه تولید سوغات زیارت با محتوای فرهنگی و رضوی فعالیت می کند. احسان مهدوی نیز مدرس دانشگاه و عضو انجمن طراحان گرافیک ایران است که تاکنون جوایز متعددی را در این حوزه از جشنواره های داخلی و خارجی دریافت کرده است. او دبیر جشنواره سالانه هنرهای شهری استقبال از بهار مشهد (۱۳۹۱ و ۱۳۹۲)، دبیر شورای گرافیک شهرداری مشهد (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲)، دبیر اولین فراخوان هنرهای شهری ایران (۱۳۹۳)، داور بخش پوستر استقبال از بهار مشهد (۱۳۹۳) و چهار دوره جشنواره استقبال از بهار (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲) بوده است.

● دوره «مه‌دوکود کردن شهرها» گذشته است

بعد از شانزده سال برگزاری جشنواره استقبال از بهار با هنرهای شهری مشهد، اگر برگردیم به همه این سال ها نگاه کنیم، آیا می توانیم بگوییم تغییری در چهره مشهد رخ داده است؟ آقای عرفان، از منظر کالبد شهری و معماری که شما در آن تخصص دارید، چطور می توان این جشنواره را ارزیابی کرد؟

عرفان: در آغاز انقلاب صنعتی و هم زمان با گسترش تفکر بازآرهای جهانی، در شهرهای اروپایی سبک های باروک و روکوکو در معماری رایج بودند. این سبک ها التقاط فزاینده ای را شامل می شدند. یعنی هر چیزی از هر جایی می آمد، به عنوان شی ء و نماد تزیینی در معماری می نشست. چند دهه جلوتر، جریان های چپ و کمونیستی با شعار نجات اشیا از موزه ها به نفع مردم، اشیای هنری را در مقیاس های بزرگ می ساختند و داخل شهرها می گذاشتند تا مردم آن ها را ببینند و بی واسطه با آن ها ارتباط بگیرند. این اتفاقی است که در اروپای قرن نوزدهم و بیستم افتاد و شهرهای اروپایی از دوره بزگ کردن و تبدیل شهر به مه‌دوکود، رد شدند و وارد فضای آراستگی جدی شهری با نماهای ماندگار و بازآفرینی شهری شدند، اما بعد از ۱۵۰ سال ما تازه به این نتیجه رسیده ایم که وارد مرحله بزگ کردن و مه‌دوکود کردن شهر با انواع المان های عجیب و غریب شویم و شهرداری مشهد شاید بدون مطالعه و پشتیبانی فکری جدی در سال ۱۳۸۸ و سال های اولیه بعد، ذوق زائد الوصفی را در مشهد رقم زد. هرسال موقع بهار قرار بود شهروندان شگفت زده شوند که این روند خودش نوعی فرایند ضد مشارکت بود، یعنی شهروندان در خلق اثر مشارکت نمی کردند. جامعه ای از المان سازها با ناگاهی صنفی نیز کم کم شکل گرفت که هرسال شب عید پروژه داشت. این جریان جدی و جدی تر شد تا اینکه اگر با نگاه نقادانه نگاه کنیم، گویی دیگر اصل قصه که این اتفاق چقدر به نفع شهر است، مهم نیست؛ مهم این است که جامعه المان ساز مشهد شب عید کار داشته باشد.

● ناخوانی شهر بعد از برگزاری ۱۶ جشنواره

عرفان: من به دوستانی که در سال های گذشته مسئولیت داشته اند، به صراحت گفته ام که به نظرم استقبال از بهار سال هاست که مرده است؛ چون دارویی بود که برای مقطع خاصی برای شهر تجویز شد، ولی سال هاست این دارو دارد تکرار می شود و دیگر برای شهر جواب نمی دهد. یعنی نه کسی را قلقلک می دهد و نه برانگیزانندگی برای مردم دارد. سیر نزولی آن از سال ۱۳۹۰ به بعد شروع شد و کم کم از ریل خودش خارج شد، هرچند ممکن است

یکی دو سال به دلایلی مانند ترکیب داوران متفاوت بوده باشد. دقیقاً موازی با این ماجرا، تجربه موفق شهرهایی ماننداصفهان وجود دارد که اصلاح سریع استقبال از بهار با المان های موقت نفیشتن و بیشتن روی المان های فاخر با هزینه های ارزان ولی ماندگار کار کردند. در مقام مقایسه، ما در این شانزده سال شاید ده ها میلیارد تومان خرج کردیم، ولی تقریباً چیزی از آن ها برای شهر نمانده است. اضافه بر آن، ذوق زدگی عوام باعث شد مدیران بی مطالعه فکر براند، درست سواد بصری همین است. حال تغییر این سلیقه خیلی هزینه بر است. این جریان از نظر سیما و منظر شهری هم نفعی برای شهر نداشت، چون به صورت مسکن و موقت می خواستیم خوانایی شهر را ارتقا دهیم، درحالی که باطراحی معماری و چشم اندازهای طبیعی ماندگار باید خوانایی شهر را ارتقا می دادیم. بنابراین شهر ما همچنان ناخواناست و شما در جاهای زیادی مانند قاسم آباد کم می شوید؛ چون معماری نتوانسته است کمکی به خوانایی شهر کند. المان های موقت هم نمی توانند آن بار را منتقل کنند، چون اصالتوان و تحمل چنین مقوله جدی ای را ندارند. بنابراین به نظرم خوب است که در این میزگرد از شهردار محترم و اعضای شورای شهر بخواهیم امسال رسماً مراسم اختتامیه استقبال از بهار را برگزار کنند و آن را بزق بکشند. این دیگ دیگر ته گرفته است. بروند سراغ تکنیک های متنوع فراوانی که در دنیای هنرهای محیطی وجود دارد و با انواع رویارویی های مشارکتی، مردم را در خلق اثر درگیر کنند. این مسکن ها باعث شده اند مدیریت شهری فکر کند نیازی به ساختن سیما و منظر شهر ندارد. در صورتی که بدون این ها شهر هیچ وقت ساخته نمی شود. سیما و منظر، نیاز کلان شهری مانند مشهد است.

● با تعطیل کردن جشنواره مخالفم

آقای مهدوی، شما تقریباً از ابتدای شکل گیری جشنواره استقبال از بهار در کنار آن و در سال های زیادی داور بوده اید. از لحاظ هنری، فکری می کنید این جشنواره توانسته است نظر اهالی فن را جلب کند و در مسیری روبه رشد قرار گیرد؟

مهدوی: من سال هاست معتمد جشنواره استقبال از بهار روبه سرایشی است، ولی اینکه بگوییم باید آن را از برق بکشیم، انصاف نیست. به این دلیل که نمی توان همه را با یک تیر زد و بگوییم همه این ها بدند و مه‌دوکودی اند. قطعاً لایه های همین ها می توانم شاهکارهایی را به شما نشان دهم، من ترجیح می دهم جشنواره در همین شکل دست و پا شکسته، در افول و بدبختی برود، ولی با ازبرق کشیدن آن مخالفم. بگذارید کمی عقب تر برویم و ببینیم چرا این اتفاقات دارد می افتد.

اشتباه جشنواره استقبال از بهار از جایی شروع شد که بزرگ ترین ملاک قابل قبول برای المان ها این قرار گرفت که چقدر شهروندان با آن عکس می گیرند. به شخصه فکر می کنم اگر این جشنواره گاهی هم موفق بوده، در زمان هایی بوده است که سعی کردیم یک جشنواره هنر شهری فارغ از بهار داشته باشیم و متأسفانه هروقت روبه سرایشی رفته، زمانی بوده که دیگر جشنواره هنر شهری نبوده و به یک سرگرمی بهارانه تبدیل شده است. این تلخ ترین و رنج آورترین قسمت جشنواره است. یکی دیگر از آسیب هایش از آنجا شروع شد که عده ای از هنرمندان مشتری ثابت جشنواره شدند.

این خوب نیست که بعضی هنرمندان خودشان را مانند کارمند این جشنواره ببانند و رزقشان را روی

● تزئین موسمی پول به هنرمندان، اقتصاد هنر نیست

آقای معمی وند، شما با این دیدگاه موافقت؟ حتی اگر به قول آقای عرفان، این دیگ ته گرفته باشد، فکر نمی کنید به هر حال بازاری را برای گروهی از هنرمندان ایجاد کرده است؟

معمی وند: کاملاً با حرف های آقای عرفان موافقم. فقط می خواهم برگردم و ریشه ای تر به آن نگاه کنم. هدف از این جشنواره نامعلوم است و چون چشم انداز نداریم، مدام از مسیر منحرف می شویم و مدام مسکن تزئین می کنیم که این مسکن ها عارضه دارند. تا یک جایی کبد شهر جواب می دهد. این مسکن ها در اقتصاد هنرمندان هم همین کار را کرده است. وقتی به صورت موسمی پولی به هنر تزئین می شود، نمی توان روی آن برای توسعه حساب کرد. حتی مشخص نیست سال بعد چقدر رشد یا کاهش دارد. از آنجا که چشم انداز و نقطه مطلوب مشخص نیست، کیفیت کار ضعیف می شود، اما وقتی بخواهیم بازارسازی کنیم، قضیه فرق دارد، چون معنی بازار این نیست. بازار متناسب با تقاضا ایجاد می شود، ولی این تقاضا خودش شگنگ است. جشنواره مانند یک سرم و آمپول تقویتی می آید، جانی به هنرمند می دهد و می رود. این باعث می شود هنرمند دنبال بازارسازی نرود، چون نمی تواند اقتصادش را به شکل دیگری تعریف کند.

● بازاری برای عرضه هنر شهری نداریم

معمی وند: به نظرم نباید جشنواره را حذف کرد. اما نکته اینجاست که به تنهایی کافی نیست و اتفاقاً گویی همه تخم مرغ ها را در یک سبد گذاشته ایم. وقتی هنرمند به این وضعیت پرداخته اتن می دهد، ایده هایی می آورد که ناب نیستند و تکراری اند. الان جایی در مشهد برای عرضه آثار هنرمندان هنر شهری نداریم. چه کسی

می خواهد محصولش

را از او بخرد؟ این بازاری که اکنون ایجاد شده است، یک بازار سالم و ارگانیک و قابل رشد نیست. برای مثال مگر

یا بازار تابلو سازها در

کوچه شاهین فر را

شهرداری ایجاد کرده

است؟ این بازارها

به صورت ارگانیک ایجاد

شده و رشد کرده اند.

درحالی که در عرصه هنر

شهری چنین بازاری را

الان نداریم.

مصطفی معمی وند:

هدف از این جشنواره

نامعلوم است و چون

چشم انداز نداریم، مدام از

مسیر منحرف می شویم

و مدام مسکن تزئین

می کنیم که این مسکن ها

عارضه دارند. تا یک جایی

کبد شهر جواب می دهد

● کم جانی مدیریت امور هنری

مهدوی: ضرر دیگری که به شدت به افول جشنواره دامن زد، معاونت خدمات شهری شهرداری بود، معاونتی که باید گل آرایشی، درخت بکارد و شهر را به سمت شهر سبز پیش ببرد، به دلیل ناآگاهی از هنر شهری، شهر را بر از عروسک کرد و تیر همه این ها به خانه هنرمندان خورد. این روند هنوز هم ادامه دارد. با وجود این، آسیبی که از همه مهم تر است، این است که مدیریت امور هنری شهرداری خیلی اداره لاغری است.

این اداره به کارمندانی نیاز دارد که تحصیل کرده این رشته باشند. نیازمند پول و زور زیادی است. واقعیت این است که هیچ وقت مدیریت امور هنری آن قدر زور نداشته که بتواند جلوجل و گیاهی هاو خیلی از معاونت ها بایستد و همیشه بخش مظلومی بوده است.

● جشنواره از درون تهی شده است

فکر نمی کنید همین که بعد از شانزده سال این اداره توانسته جشنواره را حفظ کند، نقطه قوتش است؟ عرفان: نه، به هیچ وجه! من شخشا و همچنین با تعدادی از دوستانم، سه بار تلاش کردیم برای ایجاد

سازمان زیباسازی

شهرداری در مشهد

مجاز بگیریم. حتی

در مقطعی توانستیم

مجاز شوو را هم

بگیریم. ولی متأسفانه

بعد لغو شد. من فکر

می کنم ضرر مشهد

از فقدان سازمان

زیباسازی بیش از

چندین هزار میلیارد

تومان است. درجایی از

من پرسیدند مهم ترین

مسئله مشهد چیست،

گفتم مهم ترین مسئله

شهر این است که

هیچ جماعتی روی مهم ترین مسئله

مشهد اجماع ندارند. نمود این تفرق فکری در کالبد و هنر شهری نیز خودش را نشان می دهد. یعنی شما در تزیینات این شهر مجسمه گوسفند، مورچه و کلاغ را دارید، مجسمه میدان فلسطین را هم دارید.

این تفرق نشان می دهد که ما اصلاً هم گرا نیستیم. اگر می گذاشتند سازمان زیباسازی شکل بگیرد، شما باتر بیونی روبه رو بودید که می توانست پاسخگو باشد. الان با هیچ تری بیونی روبه رو نیستید؛ با یک بدنه به تعبیر آقای مهدوی، لاغر کم دانش کم نیرو مواجهید و حجم تقاضاهای عجیب و غریب از جناح های سیاسی و قدرت که می خواهند یک جوری این مرده زنده باشد و راه برود، با هر کیفیتی. هرچه می گوییم این مرضی است، کبد و معده اش مشکل دارد. می گویند نه، بالاخره باید راه برود. درست است که جشنواره حفظ شده، ولی از درون به شدت تهی شده است.

در مقطعی شاید گلوگاه ها و میان برهایی ایجاد شده که احجامی از جنس فلز که ماندگار است، به جای اینکه به کمیته حجم برود، از دل دآوری در این جشنواره گذشته و در کالبد شهری نشسته است. این هم یک میان بر است، ولی راه درستی این است که کمیته حجم المان های ماندگار را دآوری کند. ما شاید تنها شهر یا جزو معدود شهرهایی باشیم که شورای اول شهرمان به درستی تشکیل کمیته حجم را تصویب و فرمانداری آن زمان هم با آن موافقت کرد؛ وگرنه قانون گذار می گوید در همه شهرها برای تصویب نصب یک مجسمه شخص شهردار باید برود در اتاق وزیر ارشاد بنشیند و دفاع کند. ما در شورای شهر اول توانستیم این قانون را دور بزنیم. این یک فرصت بی نظیر برای تجهیز شهری ما در حوزه هنر است. اما حالا کمیته

قسمت اول



عکس: سید مسکنی شهریاری

حجم با همان کمیته مجسمه سازی عملاتعلیل است و به جای آن با مخدرا و مسکن های جشنواره های بهاری می خواهیم جبران مافات کنیم که نمی شود؛ چون ساختار این جشنواره برای کارهای رویدادی و موقت است و برای کار دائم، هیچ رجحان و شاخصی ندارد. ممکن است گاهی شاهکاری هم از آن درآمد باشد، ولی از دست دررفته که چنین اتفاقی افتاده و آن شاهکار قطعاً ناشی از یک جریان نبوده است. این است که به نظرم این راه ها در مان این قصه نیست؛ ما باید کمیته حجم را فعال کنیم.

● شهر از المان «اورد» کرده است

معمی وند: به نظرم صحبت آقای مهدوی قضیه همان دارویی است که گفتیم. کبد شهر تا یک حدی جواب می دهد. من در مسیر که می آدمم، عکسی از میدان تقی آباد گرفتم؛ دیدم پر از آشفتگی است. مگر فضاهای این شهر چقدر ظرفیت دارند که ما این همه المان های خرد و ریز را در آن ها بریزیم؟ هیچ فضای خالی در این شهر باقی نمانده است که بتوانیم نفس بکشیم. هر جای خالی که پیدا می شود، می خواهیم یک چیزی در آن بیندازیم؛ اما با چه قیمتی؟ من نمی گویم جشنواره نباشد، ولی می گویم این جریان باید اصلاح شود. الان شهر واقعاً اورد (بیش مصرفی) کرده است. وقتی هم که المان ها فرسوده می شوند، واویلاست. چون المان فرسوده به حجم نازیبایی تبدیل می شود که یک گوشه ای را اشغال کرده است.

● شهر به پیرایش نیاز دارد، نه المان

عرفان: من در دوره مدیریت خودم همه تلاشم را کردم مسیر استقبال از بهار به مسیری عالمانه ختم شد. ابتدا گروهی از بچه های معماری را مجهز کردیم تا از

سراسر شهر عکاسی کنند. از بیش از ۳ هزار نقطه شهر گرفتیم و به اصطلاح منظرها و پرسپکتیوهای بکر شهری را کشف کردیم. بعد سعی کردیم با کسب نظر شهرداران مناطق و طبق عدالت توزیعی، المان ها را اجرا کنیم؛ اما نکته تأسف بارش این بود که هر نقطه ای را پیدا کرده بودیم، سال بعد که من بودم یا نه، می دیدیم با المان های کریه و زشت خدمات شهری پر شده است. یعنی جایی که جذابیت منظری و از لحاظ پرسپکتیو برای مردم خوانایی داشت، سال بعد با یک شب ء عجیب و غریب پر می شد. سال به سال این اتفاق بدتر و بدتر می شد تا جایی که حالا به جایی رسیده ایم که شهر به جای زیباسازی، به یک پیرایش همه جانبه نیاز دارد. نیاز دارد همه المان ها

را از شهر جمع کنیم تا شهر نفس بکشد. مثل شهر آدمی شده که سال هاست اصلاح نکرده است و حالا باید یک بار اصلاحش کنیم تا معلوم شود اصلاً چه ریختی است. به ویژه که بعضی المان ها مانند فایبرگلاس ها با ناایش ایجاد مشکل از بین می روند. با اینکه خیلی از اهل فن می گویند فایبرگلاس فاسد نمی شود، افساد شهید آن قدر شدید است که فایبرگلاس هم بیشتر از پنج ساعت دوام نمی آورد و به تدریج از بین می رود و مسئله نگهداری این ها با هیچ گردشمان به شهرهای دیگر شاید فرایند درستی برای شهر نباشد. به تدریج یک المان ناقص تخریب شده و بی رنگ و رویی که می ماند، به حد خودش تبدیل می شود. این است که آسیب شناسی این قصه خیلی ضروری است و خوب است که به ایجاد سازمان زیباسازی منجر شود یا اینکه بالاخره یک نسخه عالمانه برای فضا و محیط شهری داشته باشیم که در آن جشنواره براساس شاخص های هنر شهری پایش شود و صرفاً با یک تجویز تکراری سراغ این داستان نرود، آن هم بهار به بهار.

● هنرمندان، شهر را پیرایش کنند

معمی وند: به نظرم پیرایش الان یک ضرورت برای شهر است. خانه هنرمندان می تواند با هنرمند همان قرارداد هرساله را ببندد، ولی این بار برای پیرایش. یعنی اصلاحا ر نباشد المان خیلی سنگین و حجیمی کار کنند. همین که بتوانند یک خیابان را سامان دهی کنند، خودش خیلی می تواند در ایجاد حس خوب در شهروندان اثر گذار باشد. ولی همان کار هم باید به دست اهل فن و طبق نظام آراستگی (5S) انجام شود. هنرمند می تواند حتی با کمی مرتب کردن شهر خیلی چیزها را درست و هزینه اش را دریافت کند.

چارسوق هنر

پروژه «وعده صادق» منتشر شد



جشنواره مردمی فیلم «عمار» فراخوان سراسری پروژه «وعده صادق» را در چهار محور مختلف منتشر کرد. به گزارش مهر، این جشنواره با هدف گردآوری و بازتاب و آکشن های مردم ایران در حمایت از تنبیه مقتدرانه رژیم صهیونیستی، فراخوان سراسری

«وعده صادق» را در چهار محور برگزار می کند. شما می توانید در قالب های فیلم موبایلی (خاطره گویی، مصاحبه مردمی، واکشن های مردمی و...)، بازتولید محتوای ویدئویی، محتوای صوتی شامل خاطره گویی، مصاحبه مردمی، سرود و یادگست، محتوای تصویری و گرافیکی شامل نقاشی، عکس (واکشن های مردمی و...)، عکس نوشت، کاریکاتور و پوستر و محتوای متنی شامل دل نوشته، شعر، شعار (توثیت، پلاکار و...) و متن خبری و... تولید محتوا کنید و از طریق تارنمای جشنواره و مرجع اطلاع رسانی ها به نشانی Ammarfilm.ir، اثرات را تا ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ به دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار بفرستید.

پشت صحنه «نون خ ۵» روی آنتن می رود



مجموعه طنز «نون خ ۵» در ۲۴ قسمت به کارگردانی سعید آقاخانی، تهیه کنندگی مهدی فرجی و نویسندگی امیر وفایی از ۱۵ فروردین ماه امسال روی آنتن شبکه یک سیما رفت و پخش این سریال تا جمعه ۱۷ دیپبهشت ماه ادامه دارد. با پایان سریال،

بخش هایی از پشت صحنه آن، شنبه و یکشنبه ۹ و ۸ اردیبهشت در دو قسمت پخش خواهد شد. سریال «نون خ ۵» هربش ساعت ۲۲ از شبکه یک سیما روی آنتن می رود.

سریال «افعی تهران ۲» ساخته می شود؟



جواد فرحانی، تهیه کننده سریال «افعی تهران»، در گفت وگو با رادیو نمایش، درباره سریالش که این روز ها در شبکه نمایش خانگی عرضه می شود، گفت: در پلنتم کار کردن شرایط خودش را می طلبد. باید شرایط را سنجد. قطعاً سریال «افعی تهران» این ظرفیت را دارد که به فصل دوم برسد، اما باید دید در وضع کنونی چه اتفاقاتی رخ می دهد. به هر حال، سریال سازی در ایران بسیار سخت شده است و ساخت فصل های بعدی کار ها باید همراه با کیفیت باشد تا خاطره خوبی که از فصل اول کار به وجود آمده است، باقی بماند. در واقع جاودانه ماندن اثر مهم تر است.

«نفس خو» محمد کارت کلید خورد



محمد کارت، کارگردان شناخته شده سینمای ایران که سابقه ساخت فیلم «شنای پروانه» و سریال پربیننده «باغی» را در کارنامه دارد. در چند هفته گذشته فیلم برداری فیلم جدیدش با نام «نفس خو» را آغاز کرده است که تا به حال علی شادمان، طنز

طباطبایی و مهدی حسینی نیا، چهره هایی که در سریال «باغی» هم حضور داشتند، جلودورین رفته اند. فیلم نامه این اثر را محمد کارت و رضا بهاروند، نویسنده سریال «پوست شیر»، نوشته اند.

حمید ابراهیمی در نقش پدر موشکی ایران



فیلم برداری فیلم سینمایی «بی پایان» درباره زندگی شهید طهرانی مقدم ادامه دارد. به گزارش تسنیم، فیلم داستانی «بی پایان»، به کارگردانی ساسان فلاح فر، روایتی متفاوت از بخشی از زندگی شهید حسن طهرانی مقدم، پدر موشکی ایران است.

حمید ابراهیمی نقش شهید طهرانی مقدم را با شباهت ظاهری قابل توجهی در «بی پایان» ایفا می کند.

فصل سوم «پدر خوانده» ابوطالب آماده پخش شد



فصل سوم «پدر خوانده» مصفیا بسه روایتی سعید ابوطالب با سناریو جدید از این هفته پخش می شود. به گزارش صبا، در قسمت اول «پدر خوانده ۳» به کارگردانی سعید ابوطالب و با اجرای کامبیز دبیراز، چهره هایی مثل امیرحسین رستمی، آرش عدل پور (AP)، حسین رفیعی، محمد نادری، سینا رازانی، ساغر قناعت، نصرت میرعظیمی، نیما شاهرخ شاهی، شهاب عباسی، مرجان مؤمنی و زهرا بهروزش حضور دارند.

نخستین قسمت فصل سوم «پدر خوانده» محصول اختصاصی فیلم نت، پنجشنبه ۶ اردیبهشت ساعت ۸ صبح از این پلنتم پخش می شود.